یادداشت

حمیدرضا آجیلیان تهرانی

نقش مدیریت پیشگیری از جرم بر شاخص سلامت اجتماعی

مفهوم سلامت از جمله مفاهیمی است که آحاد مختلف جوامع با آنکه اطمینان دارند معنای آن را می‌دانند، اما از تعریف دقیق آن قاصرند.

در فرهنگ‌های گوناگون تعریف‌های بسیاری از سلامت شده است: در فرهنگ و بستر سلامت وضع خوب و عالی بدن، اندیشه و روح و به ویژه بر کنار بودن از درد یا بیماری جسمی تعریف شده‌است. در فرهنگ آکسفورد به معنی وضع عالی جسم یا روح و حالتی که اعمال بدن به موقع و به گونه مؤثر انجام شود، آمده‌است. جالینوس سلامت را عبارت از وجود نسبت معینی از عناصر گرمی، سردی، رطوبت و خشکی تعریف می‌کند. ابن سینا معتقد است: سلامت سرشت یا حالتی است که در آن اعمال بدن به درستی انجام می‌گیرد. نقطه مقابل آن بیماری است در سال‌های اخیر با گنجانده شدن «توانایی داشتن یک زندگی مثمر از نظر اقتصادی و اجتماعی» تعریف کامل‌تر شده است. سلامت بیشتر به عنوان ابزاری برای رسیدن یک هدف منظور شده‌است که می‌توان آن را از لحاظ کارکردی به صورت یک منبع بیان کرد، منبعی که به مردمان امکان می‌دهد به گونه فردی، اجتماعی و اقتصادی زندگی کنند. سلامت تنها زندگی کردن نیست، بلکه منبعی برای زندگی روزمره است، سلامت یک مفهوم مثبت است که بر منابع و امکانات اجتماعی و شخصی و همچنین توانایی‌های جسمانی تأکید دارد. سازمان جهانی بهداشت، سلامت را بهزیستی کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه‌صرف نبودن بیماری یا رنجوری تعریف می‌کند. بنابراین سلامت منبعی برای زندگی روزمره است و نه برای هدف زندگی. (این تعریف مقدمه‌ای برای معرفی مدلی شد که در آن سلامت به معنای سطح بالایی از سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی مفهوم‌سازی شد.)

بدون شک یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی یک جامعه نرخ بزهکاری و پدیده رفتار مجرمانه‌است. از این رو توجه بخش عمده‌ای صاحب‌نظران حوزه سلامت اجتماعی معطوف به مواجهه با این مؤلفه شده‌است؛ چراکه در میان پدیده‌های گوناگون اجتماعی، جرم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و این اهمیت از آنجا نشئت می‌گیرد که انسان براساس غریزه به امنیت نیاز دارد. از نظر تاریخی نیز از روزی که بشر پا به کره خاکی گذاشت، با پدیده جرم روبه‌رو بوده و هیچگاه جوامع بشری از جرم و جنایت تهی نبوده است. مطالعه انحرافات اجتماعی از دیرباز مورد توجه متفکران اجتماعی بوده‌است. دسته‌ای، آنها را ناشی از سرشت آدمی دانسته و دسته‌ای دیگر آنها را ناشی از محیط و طبیعت اجتماع می‌دانند. در جامعه علل مختلفی برای انگیزه انحراف وجود دارد که هر کدام از این علل می‌تواند متناسب با عرف جامعه و جریانات دامنی آن در به‌وجود آوردن انحراف مؤثر باشند.

با این توصیف، پدیده‌های مجرمانه بخش عمده‌ای علل مؤثر بر سلامت اجتماعی و امنیت روانی را تحت شعاع خود قرار می‌دهند. لذا برای داشتن جامعه‌ای دارای سلامت اجتماعی و روانی باید بر علل و عوامل زمینه ساز رفتارهای بزهکارانه توجه ویژه کرد.

آنچه که به‌طور قطع باید دنبال شود تا با توفیقات حاصله افزوده شود، نگاه بین‌المللی به پدیده جرم است. در برخی کشورها الگوهای مناسبی از حثیت حقوق مدنی و حاکمیتی وجود دارد که می‌توان آنها را احصا و ایرانیزه کرد و در نهایت پس از تطبیق با فرهنگ، مقررات و قوانین جاریه کشور به شکل درستی به اجرا درآورد. با این همه، بنظر می‌رسد باتوجه به وضعیت آمارهای مجرمانه که اکنون همگی روند نزولی پیدا کرده‌اند، حصول موفقیت و نزولی کردن نرخ مجرمانه در کشور را باید یک دستاورد مهم تلقی کرد و دست اندرکاران این بخش را باید مورد تحسین قرار داد. امید است که الگوهایی که در این بخش مورد استفاده قرار گرفته در سایر بخش‌های حاکمیتی کشور مورد مداقه قرار بگیرد تا بزودی شاهد تحولات خوبی در عرصه امور اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی کشور باشیم.

کشف جسد دختری نوجوان در گندمزار

جسد دختر ۱۵ساله با دست و پاهای بسته در گندمزارهای شهرستان رامیان استان گلستان کشف شد.

ساعت ۱۹:۲۵ شامگاه شنبه ۱۳اردیبهشت‌ماه مردی از گندمزارهای بخش فندرسک شهرستان رامیان با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و ماجرای کشف جسد دختری نوجوان را گزارش داد. لحظاتی بعد از حضور پلیس در محل و تأیید حادثه، رئیس دادگاه عمومی و انقلاب خان‌بین به همراه تیمی از مأموران پلیس آگاهی در محل حاضر شد. اولین بررسی‌ها نشان داد که جسد متعلق به دختری حدوداً ۱۵ساله‌است که دو پاهایش با پارچه بسته شده و در محل رها شده است. همچنین مشخص شد که بخشی از بدن این نوجوان توسط حیوانات وحشی خورده شده است. تحقیقات اولیه حکایت از این داشت که دختر نوجوان در محلی دیگر به قتل رسیده و سپس جسد در این مکان رها شده‌است. سرهنگ ابوالفضل وزیری، فرمانده انتظامی شهرستان رامیان هم به ایرنا گفته است که براساس تحقیقات اولیه یک هفته از مرگ دختر نوجوان گذشته بود و به دلیل تجزیه شدن اولیه، جسد قابلیت شناسایی نبود که جسد برای کشف هویت به پزشکی قانونی منتقل شد.

کشف محموله مواد مخدر در بار میوه

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر پایتخت کشف محموله تریاک و حشیش در بار میوه کامیون و بازداشت سه سوداگر مرگ خبر داد.

به گزارش جوان، سرهنگ عبدالوهاب حسنوند گفت: مأموران پایگاه هشتم پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت روز گذشته از انتقال محموله موادمخدر از شهری در جنوب کشور به تهران با خبر شده و خودروی مورد نظر را که کامیون حامل میوه بود در محور حسن‌آباد- فشافویه متوقف کردند. وی ادامه داد: مأموران پلیس همزمان با دستگیری سه‌سوداگر مرگ در بازرسی از بار میوه سه کیلو حشیش و ۵۱کیلو و ۶۵۰گرم تریاک و ۶۶گرم کوکائین کشف کردند، سرهنگ حسنوند گفت: متهمان به همراه پرونده به مقام قضایی تحویل داده شدند.

مرگ کوهنورد در سقوط از صخره

مرد جوان که همراه دو نفر از دوستانش برای کوهنوردی راهی ارتفاعات قلارنگ شهرستان سیروان شده‌بود در سقوط از بلندی جان باخت.

به گزارش جوان، سرهنگ رضا خورانی، فرمانده انتظامی شهرستان سیروان گفت: مأموران پلیس این شهرستان روز گذشته از حادثه سقوط مردی از ارتفاعات قلارنگ با خبر و بعد از حضور در محل متوجه شدند که مرد ۲۶ساله در سقوط از صخره جان باخته‌است. بررسی‌ها نشان داد که مرد کوهنورد همراه دو نفر از دوستانش برای کوهنوردی راهی ارتفاعات شده‌بود که به علت نامشخصی از صخره سقوط کرده و فوت شده‌بود. سرهنگ خورانی گفت: جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره جریان دارد.

بازداشت قاتل فراری در مراسم ترحیم

مرد رستوران‌داری که دو سال قبل به خاطر زن صیغه‌ای در شهرستان شاهرود مرد میانسالی را به قتل رسانده‌بود، در مراسم ترحیم دایی‌اش در تهران به دام افتاد.

به گزارش جوان، اوایل شهریورسال ۹۷ درگیری خونینی در یکی از خیابان‌های شهرستان شاهرود استان سمنان به مأموران پلیس گزارش شد. آن روز مردی با اداره پلیس تماس گرفت و گفت در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر مردی در یک نزاع دسته‌جمعی به قتل رسیده‌است.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس در محل حادثه حاضر و با جسد غرق به خون مردی میانسال روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقویی به قتل رسیده بود.

بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه نشان داد مقتول در درگیری با سه‌مرد جوان به قتل رسیده و ضاربان هم پس از حادثه از محل گریخته‌اند. همچنین شاهدان عینی هم گفتند دقایقی قبل سه‌مرد ناشناس راه مقتول را سد کرده و او را به قتل رسانده و از محل گریخته‌اند.

پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی و شناسایی هویت مقتول به نام احمد ۴۵ساله مأموران پلیس دریافتند، احمد از مدتی قبل به خاطر زن جوانی با مردی به نام ارسلان اختلاف داشته‌است. بررسی‌های بعدی مأموران نشان داد ارسلان روز حادثه همراه سه‌نفر از دوستانش درگیری خونین را رقم زده است. بنابراین ارسلان و سه‌دوستش به عنوان مظنونان به قتل تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و مأموران پلیس هم سه دوست ارسلان را یک به یک دستگیر کردند، اما ردی از ارسلان پیدا نکردند.

سه متهم در بازجویی‌ها به درگیری با مقتول اعتراف کردند اما مدعی شدند که قاتل ارسلان است. یکی از متهمان گفت: ارسلان به خاطر همسر صیغه‌ای خود با مقتول اختلاف داشت و از ما خواست او را گوشمالی بدهیم تا اینکه روز حادثه با او درگیر شدیم و ارسلان هم با چاقو او را به قتل رساند.

پس از این مأموران پلیس تلاش زیادی برای دستگیری قاتل فراری انجام دادند، اما متهم برای اینکه ردی از خود به‌جای نگذارد هر چند وقت یکبار مخفیگاهش را تغییر می‌داد تا اینکه چند روز قبل مأموران پلیس دریافتند، قاتل فراری برای شرکت در مراسم عزاداری دایی‌اش به تهران رفته‌است. سپس مأموران پلیس با گرفتن نیابت قضایی راهی تهران شدند و شامگاه یک‌شنبه ۱۴اردیبهشت متهم را در مراسم ختم دایی‌اش به دام انداختند.

صبح دیروز قاتل برای انجام تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در بازجویی‌ها به قتل احمد اعتراف کرد. بدین ترتیب قاضی دشتبان با صدور قرار عدم صلاحیت متهم را در اختیار مأموران پلیس شهرستان شاهرود قرار داد تا وی در یکی از دادسراهای محل حادثه مورد بازجویی قرار گیرد.

گفت‌وگو با متهم

ارسلان اهل کجایی؟

من ساکن شهرستان شاهرود بودم که پس از حادثه خانه به دوش شدم.

قبل از حادثه زندگی خوبی داشتی؟

بله، من در شاهرود رستوران داشتم و وضع مالی‌ام خوب بود و در زندگی‌ام هیچ مشکلی نداشتم، اما یک اشتباه زندگی‌ام را تباه کرد.

چرا مرتکب قتل شدی؟

من می‌خواستم مقتول را گوشمالی بدهم که این اتفاق تلخ رخ داد .

با مقتول اختلاف داشتی؟

نه، اصلاً او را نمی‌شناختم.

پس چرا می‌خواستی او را گوشمالی دهی؟

مزاحم زن صیغه‌ای‌ام شده بود.

بیشتر توضیح بده؟

۱۰سال قبل با زن جوانی به نام شکوفه در رستورانم آشنا شدم. از آنجایی که شوهر نداشت با هم ارتباط برقرار کردیم و پس از مدت کوتاهی او را صیغه کردم. من خیلی او را دوست داشتم و او هم مرا خیلی دوست داشت و به همین خاطر توجه زیادی به او می‌کردم و هر چیزی لازم داشت برای او فراهم می‌کردم تا اینکه مدتی قبل از حادثه متوجه شدم ناراحت است. او درباره ناراحتی‌اش چیزی به من نمی‌گفت اما وقتی با اصرار من روبه‌رو شد گفت که مرد میانسالی در کوچه و خیابان همیشه برای او مزاحمت ایجاد می‌کند. شکوفه گفت «به آن مرد گفتم که شوهر دارم اما او باز هم مزاحم من می‌شود و می‌گوید مرا دوست دارد.» پس از این تصمیم گرفت او را گوشمالی بدهم که با هم درگیر شدیم.

درباره روز حادثه توضیح بده ؟

من ابتدا محل رفت و آمدهای او را تحت نظر گرفتم و دیدم که او در نزدیکی بنگاه املاکی همیشه مزاحم همسرم می‌شود تا اینکه روز حادثه به سه نفر از دوستانم موضوع را توضیح دادم و آنها تصمیم گرفتند با هم مرد مزاحم را گوشمالی بدهیم و بدین ترتیب همگی راهی محل حادثه شدیم که او را تنبیه کنیم. وقتی احمد را در خیابان دیدیم با او درگیر شدیم که در حین درگیری چاقویی روی زمین افتاد و من خم شدم و چاقو را برداشتم و احمد دستم را گرفت که چاقو را از من بگیرد. در این کشمکش که با هم داشتیم ناگهان چاقو به بدن احمد فرو رفت و او خونین روی زمین افتاد که از ترس همه فرار کردیم.

بعد چه شد ؟

وقتی فهمیدم او فوت کرده و از شاهرود فرار کردم و در این مدت از این شهر به آن شهر می‌رفتم که گرفتار پلیس نشوم و در این مدت هرچه پس‌انداز داشتم خرج کردم.

چه شد که به تهران آمدی؟

چند روز قبل متوجه شدم دایی‌ام در تهران فوت کرده است و تصمیم گرفتم برای مراسم ختمش به تهران بیایم. آن شب در مراسم ختم دایی‌ام بودم که دو مأمور پلیس با لباس شخصی کنارم نشستند. اول فکر کردم مهمان هستند اما وقتی دستبند به دستانم زدند تازه متوجه شدم که مأموران پلیس هستند.

حرف آخر ؟

من قصد قتل نداشتم و این حادثه در حین کشمکش و گرفتن چاقو از یکدیگر اتفاق افتاد و الان هم خیلی پشیمان هستم.

اعتراف به قتل با چراغ راهنما!

مرد موتورسوار که پسری رهگذر را با چراغ راهنمای موتورسیکلتش به قتل رسانده‌است در جلسه دادگاه ماجرا را شرح داد.

به گزارش جوان، سال گذشته مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به مبین ۲۳ساله بود که بر اثر ضربه مغزی فوت کرده‌بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی اولین بررسی‌ها نشان داد پسر جوان در جریان درگیری با موتورسواری در شهرک ولیعصر بر اثر اصابت جسم سخت به سرش زخمی شده و بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌است.

پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت تا اینکه مأموران در روند تحقیقات با رصد دوربین‌های مداربسته در محل حادثه و تحقیق از شاهدان حاضر در محل موتور سوار را شناسایی و بازداشت کردند. یونس ۴۰ساله ابتدا سعی داشت پلیس را گمراه کند تا اینکه در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت مقتول با چاقو به او حمله کرده بود و او قصد داشت از خودش دفاع کند.

با اقرارهای متهم پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و بعد از تعیین شعبه صبح دیروز روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه از سوی قاضی متین راسخ ابتدا اولیای‌دم که پدر و مادر مقتول بودند درخواست قصاص کردند.

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و در شرح حادثه گفت: «نجار بودم و روز حادثه سوار موتور شدم تا به محل کار بروم. در خیابان ایستاده بودم تا اینکه مبین را دیدم. او از بچه‌های محل بود و آن روز حال طبیعی نداشت به همین دلیل مقابل موتورم ایستاد وشروع به اذیت کرد. او مدام فرمان موتورم را می‌چرخاند و می‌خندید. عصبانی شدم و به او اعتراض کردم اما دست بردار نبود. این شد که با هم درگیر شدیم و در آن درگیری مقتول مرا روی زمین انداخت و سپس دست به چاقو شد. قصد داشت مرا با چاقو بزند که چراغ راهنمای موتورم را شکستم و با آن یک ضربه به سر مقتول زدم. متهم ادامه داد: «وقتی پسر جوان روی زمین افتاد، از ترس فرار کردم. نمی‌دانستم آن ضربه باعث مرگ او می‌شود. باور کنید قصد کشتن او را نداشتم. مقتول مواد مصرف کرده‌بود و حالت طبیعی نداشت به همین دلیل وقتی از او خواستم فرمان موتور را رها کند با چاقو حمله کرد و من مجبور شدم از خودم دفاع کنم.»

در پایان هیئت قضایی به دلیل عدم حضور شاهدان که با ارسال احضاریه در دادگاه حاضر نشده بودند جلسه را به تاریخ دیگری موکول کرد.

اعتراف به قتل بر سر جای پارک خودرو

مرد جوانی که به خاطر جای پارک خودرو پسر همسایه را در تصادف عمدی به قتل رسانده است ماجرا را شرح داد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۱ صبح روز یک‌شنبه سی و یکم فروردین‌ماه امسال راننده یک خودروی سواری تیبا حوالی یافت‌آباد پسر جوانی را با خودرو زیر گرفت و از محل گریخت.

آن روز وقتی مأموران کلانتری یافت‌آباد در محل حادثه حاضر شدند، دریافتند پسر جوان که احمد نام دارد پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات به کام مرگ رفته‌است. بررسی‌های مأموران نشان داد راننده خودروی تیبا از مدتی قبل به خاطر پارک خودرواش کنار خانه پدری احمد با آنها درگیری داشته‌است و روز حادثه هم هنگام درگیری با آنها، احمد را زیر گرفته و از محل گریخته است.

بنابراین فریدون به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران تحت تعقیب قرار گرفت و مأموران پلیس هم ساعتی بعد از حادثه وی را در یکی از خیابان‌های تهران شناسایی و دستگیر کردند. متهم پس از دستگیری در ادعایی گفت: متأهل هستم و یک فرزند دارم و مدتی است با خودروام مسافرکشی می‌کنم. از آنجایی که پارکینگ ندارم خودروام را همیشه در کنار خانه پدری احمد پارک می‌کردم و به همین دلیل آنها به من اعتراض می‌کردند. روز حادثه هم وقتی آمدم خودروام را سوار شوم آنها با من درگیر شدند که از ترس فرار کردم و پسر آنها را زیر گرفتم.

یکی از اعضای خانواده احمد هم گفت: متهم همیشه خودرواش را کنار خانه ما پارک می‌کرد و مزاحم ما بود. اگزوز خودرواش صدایی زیادی داشت وبرای ما مزاحمت ایجاد می‌کرد. به او تذکر داده بودیم که خودرواش را جلوی خانه ما پارک نکند اما توجهی نمی‌کرد تا اینکه روز حادثه از صدای اگزوزش متوجه شدیم که او سوار خودرواش شده است. همراه فرزندم به داخل کوچه رفتیم و به او گفتیم اگر دوباره خودرواش را جلوی خانه ما پارک کند از او شکایت می‌کنیم که با ما درگیر شد و با خودرواش یکبار از جلو و یکبار هم از عقب از روی فرزندم رد شد.

■ اعتراف به قتل

در حالی که متهم مدعی بود حادثه زیر گرفتن پسر جوان اتفاقی بوده، بررسی‌های مأموران نشان داد این حادثه به صورت عمدی رخ داده‌است و راننده خودرو در حالی که متوجه بوده پسر جوان جلوی خودرواش است از روی آن عبور کرده است. بنابراین متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و در نهایت پس از ۱۵روز در بازجویی‌های فنی به قتل پسر جوان اعتراف کرد. وی صبح دیروز برای تحقیق به دادسرای امور جنایی منتقل شد و درباره حادثه گفت: روز حادثه وقتی خودروام را روشن کردم مقتول و پدرش به داخل کوچه آمدند و به خاطر پارک خودروام با من درگیر شدند. من قصد داشتم فرار کنم که احمد جلوی خودروام آمد و دست روی کاپوت خودروام گذاشت که مانع فرار من شود اما من حرکت کردم و از روی او عبور کردم.

وی در پایان گفت: من فکر نمی‌کردم او به قتل برسد و الان هم پشیمان هستم.

پس از اعتراف متهم به قتل، اولیای‌دم درخواست قصاص کردند و قاتل هم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

خودکشی یا قتل؟

پرونده پسر جوانی که در بزم شبانه از بالکن ساختمان مسکونی به پایین سقوط کرده و جان باخته بود، با ثبت حرف شاهدان در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد.

به گزارش جوان، رسیدگی به پرونده از ۱۰شهریورسال ۹۷ با سقوط پسر ۳۲ ساله به نام پدرام در دستور کار قرار گرفت. با اعلام این خبر مأموران به محل حادثه در میدان پانزدهم نارمک اعزام شدند و در تحقیق از محل دریافتند، پسر جوان پس از مصرف مشروب از بالکن طبقه پنجم ساختمان مسکونی به پایین سقوط کرده و در دم جان باخته است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی پدر و مادر پدرام با مراجعه به اداره پلیس از دوستان وی شکایت کردند.

مادر پدرام به مأموران گفت: «دوستان پسرم افراد شروری هستند. روزی آنها در خانه ما مهمان بودند که پسرم با یکی از دوستانش درگیر شد. آنها قصد داشتند پدرام را بکشند و از پنجره خانه‌مان او را به پایین پرتاب کنند که با رسیدن من و شوهرم پسرم نجات یافت. حالا به آنها مشکوک هستم و احتمالاً در مرگ پسرم مقصرند.»

با طرح این شکایت پنج پسر جوان بازداشت شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند، اما همگی گفتند پدرام در حالت مستی خودش را از بالکن خانه به پایین پرتاب کرده و تلاش آنها برای نجات او نیز بی‌فایده بوده‌است.

با ثبت این اظهارات برای آنها قرار منع تعقیب صادر شد، اما با اعتراض پدر و مادر پدرام پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز پنج پسر جوان به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران احضار شدند و به دستور ریاست دادگاه یک به یک در جایگاه قرار گرفتند و ماجرا را شرح دادند.

یکی از آنها گفت: پدرام مبتلا به افسردگی بود. او با دختر جوانی آشنا شده بود که آن دختر علاقه به کتاب‌های عرفانی و فلسفی داشت. او به پدرام چند کتاب داده بود و پدرام با خواندن آنها خیلی تغییر کرده بود. او روز به روز حالش بدتر می‌شد و هر شب در خانه مجردی‌اش بعد از خوردن مشروب ساعت‌ها گریه می‌کرد. پدرام همیشه با پدر و مادرش مشکل داشت به همین خاطر به خانه آنها نمی‌رفت.

پسر جوان ادامه داد: آن شب در خانه یکی از دوستانمان مهمان بودیم و همگی مشروب خورده بودیم. پدرام مدام گریه می‌کرد و حال خوبی نداشت. با او صحبت کردیم تا کمی آرام شد. دقایقی گذشت و گفت می‌خواهد به بالکن برود. فکر کردیم می‌خواهد سیگار بکشد تا حالش بهتر شود. او به بالکن رفت اما ناگهان نرده‌ها را گرفت و به طرف دیگر آن رفت. یکی از دوستانمان بدن قوی داشت. او دستان پدرام را گرفت و سعی کرد او را بالا بکشد اما موفق نشد و پدرام به پایین سقوط کرد.

دیگر دوست پدرام نیز در جایگاه ایستاد و گفت: «مدتی قبل پدرام می‌گفت مادرش پیش زن فالگیری رفته است و آن زن به مادرش گفته است پسرت به زودی می‌میرد. همین باعث شده بود پدرام فکر کند او خیلی زود خواهد مرد.»

جوان دیگر گفت: «در یکی از سفرهایی که به شمال داشتیم پدرام قصد داشت به دریا برود و خودکشی کند. برادرش همراه ما بود. او به شدت گریه می‌کرد تا با التماس‌های او، پدرام منصرف شد و به ساحل برگشت. او همیشه در فکر خودکشی بود.»

با تأیید این توضیحات از سوی دیگر شاهدان، هیئت قضایی وارد شور شد تا درباره این پرونده اظهار نظر کند.

پایان زندگی مجرم فراری با هویت مرد مرده

مجرم تحت تعقیب که سه‌سال با هویت مردی مرده زندگی مخفیانه داشت، سرانجام بازداشت شد.

سردار روح‌الامین قاسمی، فرمانده انتظامی گلستان گفت: دو روز قبل به مأموران پلیس شهرستان گنبدکاووس خبر رسید که یکی از مجرمان تحت تعقیب که سه‌سال قبل پس از مرخصی از زندان فوت شده‌بود در یکی از روستاهای این شهرستان دیده شده‌است. بررسی‌ها درباره سوابق این مرد نشان می‌داد که متهم به اتهام آدم‌ربایی و ایجاد مزاحمت بازداشت و به ۲۵سال زندان محکوم شده بود.

او مدتی پس از تحمل حبس با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده‌بود، اما بعداً به پلیس خبر رسید که این فرد فوت شده و مراسم ختم او هم برگزار شده است بنابراین پرونده وی مختومه شد تا اینکه خبر زنده‌بودن وی به پلیس گزارش شد. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مأموران پلیس راهی محل شدند و متهم را در مخفیگاهش بازداشت کردند. سردار قاسمی گفت: متهم به همراه پرونده در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

انفجار مرگبار در کارگاه چاپ پارچه

انفجار کارگاه چاپ پارچه در اصفهان مرگ یکی از کارگران را به همراه داشت.

به گزارش جوان، سرهنگ محمدرضا خدادوست، فرمانده انتظامی اصفهان گفت: روز گذشته مأموران کلانتری ۳۳اصفهان از حادثه انفجار در یکی از کارگاه‌های چاپ پارچه با خبر و در محل حاضر شدند. در اولین بررسی‌ها مشخص شد که یکی از کارگران به علت شدت جراحت فوت شده و کارگر دیگر هم به شدت زخمی شده‌است که به بیمارستان منتقل شد. سرهنگ خدادوست گفت: در بررسی‌های بعدی معلوم شد که دو کارگر در حال تمیز کردن دستگاه گرمکن کارگاه بودند که ناگهان دستگاه منفجر می‌شود و حادثه مرگبار رقم می‌خورد. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

مرگ سارق هنگام سرقت

مردی که قصد داشت گوشی تلفن دختری را سرقت کند کنترلش را از دست داد و با سر به شیشه در خانه‌ای برخورد کرد و جان باخت.

سرهنگ نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز گفت: چند روز قبل مأموران پلیس گلشهر از مرگ مردی جوان در یکی از محله‌ها با خبر و در محل حاضر شدند. مأموران پلیس در محل با جسدی پسری حدوداً ۲۱ساله مواجه شدند که با اصابت شیشه به گردنش جان باخته‌بود. در تحقیقات بعد مشخص شد که مرد فوت شده سارق است که همراه دو نفر از دوستانش قصد سرقت داشت که در جریان حادثه فوت شد. دختر جوان گفت: من در حال وارد شدن به خانه‌مان بودم که ناگهان مرد فوت شده و همدستش از یک پراید پیاده شده و قصد سرقت گوشی من را داشتند که یکی از آنها کنترلش را از دست داد و به شدت با در شیشه‌ای خانه برخورد کرد و جان باخت. بعد هم راننده پراید و همدست دیگرش از محل فرار کردند. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران یکی از سارقان را بازداشت کردند و تحقیقات برای بازداشت سومین متهم در جریان است.